

هر یک از ما انسان‌ها ویژگی‌های اخلاقی خاصی داریم که ممکن است خصوصياتی پسندیده یا ناپسند به شمار آید. نکته مهم این است که این ویژگی‌های اخلاقی تعیین‌کننده رفتارهای ما هستند و مثلاً از شخصی با ویژگی‌های بد نمی‌توان انتظار رفتار مناسب داشت. دین اسلام برای تربیت انسان و تصحیح اخلاق او برنامه‌هایی دارد که با برخی از آنها در سال پیش آشنا شدیم.

در این فصل به بررسی برخی ویژگی‌های اخلاقی می‌پردازیم که می‌توانند تأثیر زیادی بر سرنوشت ما داشته باشند. فصل حاضر از سه درس تشکیل شده است که به ترتیب عبارت‌اند از: شاخه‌ای از درخت بهشتی، عادت‌ها و آسیب‌ها و ارزش کار.

🌀 **درس یازدهم (شاخه‌ای از درخت بهشتی)** ضمن بررسی دو ویژگی سخاوت و بخل، تأثیر هر یک از این ویژگی‌ها را بر زندگی انسان نشان می‌دهد و در ادامه به تبیین مرز میان سخاوت و اسراف می‌پردازد.



🌀 **درس دوازدهم (عادت‌ها و آسیب‌ها)** ابتدا به ما نشان می‌دهد که یک عادت چگونه به وجود می‌آید. این درس در ادامه به دو عادت کم‌طاقتی و افراط در سرگرمی‌ها پرداخته و در پایان به راه غلبه بر عادت‌های ناپسند اشاره می‌کند.



🌀 **درس سیزدهم (ارزش کار)** نقش کار کردن در زندگی انسان و فضیلت آن را در نگاه اسلام یادآوری می‌کند. سپس با طرح موضوع کسب و کار حرام به ما نشان می‌دهد که اموال حرام چگونه می‌تواند باعث نابودی دنیا و آخرت انسان شود.





شاخه‌ای از درخت بهشتی



همین که ابراهیم علیه السلام وارد خانه‌اش شد با تعجب چشمش به مردی افتاد که در خانه نشسته بود. - ای بنده خدا، با اجازه چه کسی وارد خانه شدی؟

- با اجازه پروردگار خانه.

یعنی درست شنیده بود؟! دوباره سؤالش را تکرار کرد و مرد همان جواب را تکرار کرد. وقتی برای سومین بار این پرسش و پاسخ بین آنها ردوبدل شد، ابراهیم تازه فهمید با چه کسی سخن می‌گوید. جبرئیل، فرشته وحی و امین خداوند!

خداوند را سپاس گفت و منتظر ماند تا جبرئیل سخن بگوید.

- پروردگارت مرا به دنبال یکی از بندگان فرستاده است تا او را به عنوان دوست صمیمی خود برگزیند.

— چه افتخار بزرگی! این فرد هر که هست خوشا به حالش! دوست صمیمی خدا؟! به من بگو
آن فرد کیست تا من همواره در خدمت او باشم.
— آن مرد خود تو هستی!
— من؟! انتخاب من به این مقام برای چیست؟
— برای دو ویژگی که داری. اول اینکه تاکنون هرگز از کسی چیزی درخواست نکرده‌ای^۱ و دوم
این که تاکنون هیچ کس از تو درخواست [بجا و شایسته‌ای] نکرده است، مگر اینکه خواسته‌اش
را برآورده ساخته‌ای.^۲

فواید سخاوت

شما کدام را می‌پسندید؟

□ سخاوتمند و بخشنده!

□ بخیل و خسیس!

کسی را سراغ دارید که از افراد خسیس خوشش بیاید؟ آیا خود انسان خسیس از آدم‌های
خسیس دیگر خوشش می‌آید؟
خداوند ما را طوری آفریده است که اگر کسی به ما نیکی کند، او را دوست خواهیم داشت.
یکی از بهترین و ساده‌ترین راه‌های نیکی به دیگران نیز، بخشش به آنهاست. برای همین است که
می‌گویند اگر می‌خواهید کسی شما را دوست داشته باشد، به او هدیه‌ای بدهید.
آیا بخشش فقط همین یک فایده را دارد؟
پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

انسان سخاوتمند به خدا نزدیک است، به بهشت نزدیک است، به مردم نزدیک
است و از آتش جهنم دور است و انسان بخیل از خداوند دور است، از بهشت دور
است، از مردم دور است و به آتش نزدیک است.^۳

۱- یعنی به کسی اظهار عجز و نیاز نکرده‌ای.

۲- کافی، ج ۴، ص ۴۰.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۱۳.

صدقه دادن، یکی از ساده‌ترین نمونه‌های سخاوت است. به نظر شما این کار چه سودی برای شخص صدقه‌دهنده دارد؟ برای جامعه چطور؟

نمونه‌های بخشندگی

پیامبر اکرم می‌فرماید:

بخیل‌ترین مردم کسی است که از سلام کردن به دیگران بخل ورزد.^۱

سخاوت و بخل تنها در مسائل مالی نیست. سخاوتمندی این است که دیگران را از آنچه داریم بهره‌مند کنیم. مثلاً وقتی گفتن یک جمله تشکرآمیز و یک لبخند، خستگی را از تن پدر و مادرمان می‌زداید، آیا تشکر و لبخند ما به آنها سخاوت نیست؟ یاد دادن درس به دیگران، گفتن جملات تشکرآمیز به کسانی که برای ما زحمت می‌کشند و خوشرویی با نزدیکان، نمونه‌هایی از سخاوت هستند که می‌توانند ما را به بهشت نزدیک‌تر کنند. به همین دلیل است که امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید:

سخاوت درختی است در بهشت که شاخه‌هایش در دنیاست. پس هر کس به شاخه‌ای از شاخه‌های این درخت درآویزد، او را به بهشت خواهد رسانید.^۲

۱- وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۷؛ جامع الصغیر سیوطی، ج ۱، ص ۱۷۳.

۲- مُسْتَدْرَك الوسائل، ج ۷، ص ۱۳.

اندازه نگهدار که اندازه نکوست!

به این آیه توجه کنید:

وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا
لَمْ يُسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا
وَ كَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا
[مؤمنان واقعی] کسانی اند که هنگام بخشش
نه اسراف می کنند و نه بخل می ورزند،
بلکه در میان این دو [معتدل و میانه‌رو] هستند.

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام
می گوید: روزی از ایشان پرسیدم منظور
این آیه چیست؟

امام از روی زمین مشتت سنگ ریزه
برداشت و آن را محکم در دست گرفت،
طوری که هیچ چیز از دستش فرو نریخت.
سپس فرمود: این همان بخل‌ورزی است
که خداوند فرموده است. سپس مشتت
را کاملاً باز کرد، آن چنان که همه
سنگ ریزه‌ها از لای انگشتانش بر زمین
ریخت و چیزی در دستش نماند. بعد
فرمود: این اسراف است. در آخر مشتت
سنگ ریزه را برداشت و دستانش را کمی



باز کرد، مقداری از سنگ ریزه‌ها از دستش ریخت و مقداری هم در دستش باقی ماند. سپس
فرمود: این میانه‌روی است.^۲



فعالیت کلاسی

الف: شما در زندگی خود چه نمونه‌های دیگری برای بخل
و سخاوت می شناسید؟
ب: پرسش‌های زیر را با دقت بخوانید. پاسخ هر پرسش در یکی

- از آیات بعدی بیان شده است. عدد هر آیه را کنار پرسش مربوط به آن بنویسید.
- چه کارهایی بخشش ما را باطل می کند؟ سوره آیه
- چه چیزهایی را نباید به دیگران ببخشیم؟ سوره آیه
- چگونه به مقام نیکوکاران می رسیم؟ سوره آیه
- ۱- به مقام نیکوکاری نخواهید رسید مگر اینکه از چیزهایی که دوست دارید به دیگران ببخشید.^۱
- ۲- ای کسانی که ایمان آوردید، صدقه های خود را با منت گذاشتن و اذیت کردن [فقیران] باطل نکنید.^۲
- ۳- چیزهای بدی را که خودتان حاضر نیستید از کسی بگیرید، برای بخشیدن به دیگران انتخاب نکنید.^۳



- ۱- با توجه به حدیث رسول اکرم صلی الله علیه و آله چه چیزی باعث نزدیک شدن انسان به خداوند و بهشت می شود؟ نتیجه بخل ورزیدن چیست؟
- ۲- آیا تنها انسان های ثروتمند می توانند سخاوتمند باشند؟ توضیح دهید.
- ۳- اسراف در سخاوت یعنی چه؟ دو نمونه آن را بیان کنید.



شما نیز داستان، شعر و یا ضرب المثلی درباره سخاوت نوشته و آن را در کلاس برای دوستانتان بازگو کنید.

۱- سوره آل عمران، آیه ۹۲.

۲- سوره بقره، آیه ۲۶۴.

۳- سوره بقره، آیه ۲۶۷.



عادت‌ها و آسیب‌ها

تصور کنید فردا برای اولین بار باید ساعت پنج صبح از خواب بیدار شوید. برای اینکه در این ساعت خواب نمانید چه می‌کنید؟ شاید شما هم مانند برخی افراد از ساعت کوکی برای بیدار شدن استفاده می‌کنید و یا اینکه از پدر و مادرتان می‌خواهید شما را بیدار کنند. اما عده‌ای از مردم هستند که برای بیدار شدن در ساعتی مشخص، نیازی به ساعت و یا کمک دیگران ندارند و خودشان به راحتی در همین ساعت بیدار می‌شوند. می‌دانید علت چیست؟ وقتی ما کاری را به صورت مداوم انجام می‌دهیم، آن کار برای ما عادت می‌شود و ترک آن دشوار می‌شود. به نظر شما عادت کردن به انجام یک کار، خوب است یا بد؟



محمد از اولین روزهای سال تحصیلی تصمیم می‌گیرد روزی سه ساعت مطالعه کند. اگرچه انجام این کار در یکی دو هفته اول کمی برایش مشکل است، اما او که در اجرای تصمیمش جدی است، این دشواری را تحمل می‌کند و پس از مدتی کم‌کم به مطالعه روزانه عادت می‌کند.

برادر محمد در تعطیلات تابستان هر شب تا دیر وقت بیدار می‌ماند و به همین دلیل صبح‌ها هم خیلی دیر از خواب بیدار می‌شود. او حتی با شروع سال تحصیلی هم نتوانسته است ساعت خوابش را تنظیم کند و به دیر خوابیدن عادت کرده است.



- ۱- به نظر شما عادت‌های محمد و برادرش هم ارزش هستند؟
- ۲- چه چیزی باعث تفاوت عادت‌های محمد و برادرش شده است؟

همان‌گونه که دیدیم، عادت‌های انسان‌ها با یکدیگر متفاوت است. عده‌ای با تکرار کارهای خوب، عادت‌های خوبی را در خودشان به وجود می‌آورند و عده‌ای دیگر عادت‌های بد! حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید:

کسی که از عادت‌های [بد] پیروی کند، هرگز به مقام‌های بلند نخواهد رسید.^۱

بنابراین اگر ما می‌خواهیم رشد کنیم و در زندگی سعادت‌مند باشیم، چاره‌ای نداریم جز اینکه:

- ۱- عادت‌های خوب ورزش کرده و مطالعه را در خودمان تقویت کنیم.
- ۲- عادت‌های بد مانند پرخوری و تنبلی را بشناسیم و آنها را ترک کنیم.

ما در این درس به بررسی دو عادت بد خواهیم پرداخت که می‌توانند مانع رشد ما شوند و ما را از مسیر خوش‌بختی واقعی دور کنند.

۱- سرگرمی‌های نامناسب

«همین که به خانه می‌آید، با عجله سلام می‌کند و قبل از اینکه حتی لباسش را عوض کند تلویزیون را روشن می‌کند. این کار برای امیر تبدیل به یک عادت شده است. او از مدرسه که می‌آید، کیفش را گوشه‌ای می‌اندازد و به تماشای تلویزیون می‌نشیند. برنامه کودک و نوجوان، برنامه‌های ورزشی، مسابقه‌های تلویزیونی، فیلم‌های سینمایی و سریال‌ها! ... امیر با اشتیاق همه برنامه‌ها را نگاه می‌کند و به تذکرات دیگران هم — که از او می‌خواهند

۱- غرالحکم، ص ۲۳۸.

در این کار زیاده‌روی نکند - توجه نمی‌کند. آخر شب هم بدون اینکه درس‌هایش را خوانده باشد، با خستگی برنامه فردا را آماده می‌کند و می‌خوابد. این وضعیت ادامه پیدا می‌کند تا اینکه بالاخره فصل امتحانات فرا می‌رسد و همه دانش‌آموزان برای موفقیت در امتحانات تلاش خود را بیشتر می‌کنند، اما امیر که یک سال تمام به جای هر کاری فقط تلویزیون تماشا کرده است، دیگر نمی‌تواند به راحتی عادت بدش را ترک کند. به همین خاطر...»



- ۱- آیا به نظر شما تماشای تلویزیون کار بدی است؟
- ۲- اشتباه امیر در این یک سال چه بوده است؟
- ۳- شما اگر می‌خواستید امیر را راهنمایی کنید به او چه می‌گفتید؟

سرگرمی‌ها دو دسته‌اند:

گروه اول سرگرمی‌هایی است که به خودی خود بد نیست، اما زیاده‌روی در آنها باعث بازماندن از وظایف دیگر و غفلت از کارهای اصلی می‌شود. تماشای تلویزیون از این دسته سرگرمی‌هاست. گروه دوم سرگرمی‌هایی است که تأثیر بسیار بدی بر انسان می‌گذارد و می‌تواند باعث زیان‌های بزرگی شود. برخی فیلم‌های نامناسب و بازی‌های خطرناک رایانه‌ای از این دسته سرگرمی‌هاست که پرداختن به آنها گناه است.

۲- کم‌طاقتی

این ضرب‌المثل را شنیده‌اید که: «نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود.» می‌توانید آن را توضیح دهید؟

یکی از عادت‌های بدی که باعث می‌شود انسان نتواند به اهدافش در زندگی برسد، کم‌طاقتی و بی‌تابی است. ورزشکاری را تصور کنید که می‌خواهد در بین دوستانش از همه قوی‌تر باشد. او برای رسیدن به این هدف چه‌قدر باید تمرین کند؟

حالا اگر همین ورزشکار بخواهد در مسابقات المپیک شرکت کند و با قوی‌ترین ورزشکاران جهان مسابقه دهد، برای پیروزی در این مسابقات چه‌قدر باید تمرین کند؟ کاملاً روشن است که هر قدر هدف‌های ما در زندگی بزرگ‌تر و ارزشمندتر باشند، دستیابی



به آنها نیز مشکل تر خواهد بود.
حال آیا رسیدن به هدف بزرگی مانند سعادت در دنیا و آخرت، با کم‌طاقتی و بی‌صبری امکان‌پذیر است؟
امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

هر کس بر سختی‌ها و نامایمات زندگی استقامت ورزد، وارد بهشت خواهد شد.^۱

فرد کم‌طاقتی را تصور کنید که باید مانند بقیه مسلمانان در ماه رمضان روزه بگیرد. همین که مقداری از روز می‌گذرد و تشنگی و گرسنگی به او فشار می‌آورد، تسلیم می‌شود و دستور خداوند را زیر پا می‌گذارد. واضح است که او نه تنها از پاداش‌های بزرگ خداوند برای روزه‌داران محروم می‌شود؛ بلکه باید خود را برای محاکمه روز قیامت نیز آماده کند.
آیا واقعاً انسان کم‌طاقت می‌تواند در برابر وسوسه‌های شیطان مقاومت کند؟

۱- کافی، ج ۲، ص ۸۹.



رفتار انسان‌های صبور و افراد کم‌طاقت را در هریک از موارد زیر با هم مقایسه کنید:

صبور:	هنگامی که عصبانی می‌شود.
کم طاقت:	
صبور:	وقتی مادر در هنگام خانه تکانی، پاک کردن همهٔ شیشه‌ها را به عهدهٔ او می‌گذارد.
کم طاقت:	
صبور:	یک ساعت وقت صرف آموزش سورهٔ حمد به برادر کوچکش کرده، اما برادرش هنوز هم نمی‌تواند سوره را بدون غلط بخواند.
کم طاقت:	



۱- چه چیزی باعث می‌شود یک کار برای انسان به صورت عادت درآید؟

۲- با ذکر چند مثال نقش صبر و استقامت را در رسیدن به بهشت توضیح دهید.

۳- با توجه به آنچه در این درس خواندیم:

الف: توضیح دهید سرگرمی‌ها چند دسته‌اند؟

ب: زیاده‌روی در کدام گروه از این سرگرمی‌ها ناپسند است؟



جلوی ضرر را از هر کجا بگیرید منفعت است.

شاید برای شما هم این پرسش به وجود آمده باشد که اگر متوجه عادت ناپسندی در خودمان شدیم چه کار باید کنیم؟

۱- استعانت از خدا

توجه داشته باشیم که خداوند بزرگ به همه ما نیروی بسیار قوی و ارزشمندی به نام اراده بخشیده است که با آن می‌توانیم هر کار دشواری را با موفقیت پشت سر بگذاریم. پس از خدا یاری بخواهیم و امیدوار باشیم.

۲- تصمیم جدی

مهم‌ترین گام در راه ترک یک عادت بد، تصمیم جدی برای دوری از آن عادت است. برای این تصمیم لازم است به مشکلات آن عادت بد بیندیشیم.

۳- تلاش مستمر

قدم سوم به کار بستن تمام نیرو و تلاش برای تکرار نکردن آن کار است. توجه داشته باشیم که اگر چه ترک یک عادت در ابتدا خیلی مشکل به نظر می‌رسد، اما پس از مدتی تمرین و مداومت، هر عادتی جای خودش را به عادت دیگری خواهد سپرد.

۴- تغییر شرایط

گام بعدی عوض کردن شرایطی است که باعث ایجاد عادت‌های بد در انسان می‌شود؛ مثلاً کسی که دوستانش همگی به انجام کار بدی عادت کرده‌اند، تا زمانی که در میان آن دوستان باشد، نمی‌تواند عادت ناپسند آنها را ترک کند. و یا کسی که معمولاً در تنهایی فکری نادرست به سراغش می‌آید، بهتر است تا زمان ترک این عادت، از تنها ماندن آن هم به صورت طولانی پرهیز کند.

۵- پرهیز از یأس و ناامیدی

اگر با وجود این که تصمیم گرفتیم کاری را دیگر انجام ندهیم، اما پس از مدتی باز هم ناخواسته به عادت قبلی خود عمل کردیم، ناامید نشویم و تلاشمان را برای ترک آن عادت رها نکنیم؛ بلکه آن را یک اتفاق بدانیم و دوباره بر تصمیم خود برای ایجاد عادت خوب و جدید ثابت قدم بمانیم.

الهی

ای خالق نیکی؛

تو را پاس می گویم که خلق و خوی مرا نیک آفریدی

و به آنچه خودت می پسندی هدایتم کردی

الهی تو فیتقم ده که بر دشمنان خود غلبه کنم

شیطانی که وسوسه ام می کند

و غفلتی که از بهمت من می کاهد

و کم طاقتی که مرا از بهشت تو دور می سازد

الهی مرا نیرو بخش تا ساکن گزار تو باشم

و چشم بر معایب خود نبندم

و خود را از آنچه هستم بهتر نبینم

(تو هم اگر دوست داری چند جمله با

پروردگارت سخن بگو).

.....
.....
.....





ارزش کار

عبادت بزرگ

«... قدم‌هایش را تندتر کرد. می‌خواست هرچه زودتر خود را به خانه برساند. انگار از آسمان آتش می‌بارید. در این بعدازظهر داغ مدینه، فقط کسانی از خانه بیرون می‌آمدند که کار خیلی مهمی داشتند. همین‌طور که با عجله راه می‌رفت، از دور چشمش به کسی افتاد که زیر آفتاب سوزان در زمین کشاورزی‌اش مشغول کار بود. با خودش گفت: عجب آدم حریص و دنیاطلبی!

مگر پول و مال دنیا چقدر ارزش دارد که انسان این‌گونه خودش را برای به‌دست آوردن آن به زحمت بیندازد؟ خوب است او را نصیحت کنم.

کمی که نزدیک‌تر شد، تعجبش بیشتر شد. درست می‌بینم؟ او محمدبن علی (امام باقر علیه‌السلام) است؟! خوب دقت کرد. بله خود اوست! ببین چگونه عرق می‌ریزد و کار می‌کند؟! — سلام علیکم.

امام علیه‌السلام نفس‌زنان و عرق‌ریزان جواب سلامش را داد و دوباره مشغول کار شد. — آخر بزرگی از بزرگان قریش، در این هوای گرم با این حال عرق بریزد و به‌دنبال دنیا باشد؟! اگر همین حالا مرگ شما فرا رسد و شما در این حال بمیرید چه خواهید کرد؟



حضرت لحظه‌ای دست از کار کشید و سپس فرمود:
«اگر در این حال مرگم فرا رسد، در حال عبادت خدا از دنیا رفته‌ام. من تلاش می‌کنم تا با کار کردن، خودم و خانواده‌ام را از کمک دیگران بی‌نیاز سازم. این عبادت خداوند است. اگر قرار باشد از چیزی بترسم، باید از این بترسم که در حال گناه و معصیت مرگم فرا رسد. سرش را پایین انداخت و کمی فکر کرد. چه جواب حکیمانه‌ای! می‌خواستم او را نصیحت کنم، اما او مرا نصیحت کرد. خدا را شکر که به اشتباهم پی بردم...»^۱

ثمرات کار و کوشش

کار و تلاش برای بی‌نیاز شدن از دیگران، نه تنها ناپسند نیست؛ بلکه در دین اسلام در ردیف عبادت‌های بزرگ شمرده شده است.
رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

عبادت ده جزء دارد که نه جزء آن، کار و کسب حلال است.^۲

فایده دیگر کار کردن، توانایی برای انفاق، سخاوتمندی و مشارکت در کارهای خیر است. شما هیچ انسان عاقلی را نخواهید یافت که دوست داشته باشد از پاداش بزرگ خداوند به سخاوت‌مندان، محروم شود. کسی که خودش نیازمند کمک دیگران باشد، آیا می‌تواند به دیگران انفاق کند؟ آیا کسی که خودش درآمدی ندارد، می‌تواند اموالش را سخاوتمندانه در کارهای خیر (مانند ساختن مسجد، مدرسه، کتابخانه و...) خرج کند؟ یکی دیگر از ثمرات کار برطرف ساختن مشکلات اجتماعی است. به گفته کارشناسان، کار و اشتغال مناسب می‌تواند از بسیاری جرایم و تخلفات اجتماعی مانند مزاحمت‌های خیابانی و تكدی‌گری جلوگیری کند.

به نظر شما بی‌کاری باعث چه مشکلات دیگری در جامعه می‌شود؟



فعالیت کلاسی

۲- جامع‌الاخبار، ص ۱۳۹.

۱- وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۲۰.

اکنون وقت آن است که ببینیم آیا ما حق داریم از هر راهی اقدام به جمع‌آوری اموال و دارایی برای خود بکنیم؟

کسب حلال

یکی از اصحاب امام صادق علیه‌السلام از ایشان پرسید: کسی از راه حرام مالی را به دست می‌آورد و برای اینکه گناهِش پاک شود، از همان مال به فقیران صدقه می‌دهد، به نزدیکانش رسیدگی می‌کند و به زیارت خانه خدا می‌رود. این کارهایش نزد خدا چگونه است؟ امام علیه‌السلام فرمود:

آنچه گناهان را پاک می‌کند، کارهای نیک است، اما کار حرام نمی‌تواند حرام دیگری را پاک کند.^۱

بنابراین، اگر کسی اموالش را از راه حرام به دست آورد، مرتکب گناه بزرگی می‌شود که حتی اگر همه آن اموال را در کارهای خوب نیز مصرف کند، نه تنها گناهانش پاک نمی‌شود، بلکه گناهی به گناهانش افزوده خواهد شد. آیا می‌توانید حدس بزنید وارد شدن اموال حرام به زندگی انسان چه تأثیرات دیگری بر زندگی او خواهد داشت؟



فعالیت کلاسی

مردی نزد پیامبر اکرم آمد و عرض کرد: یا رسول‌الله، از خداوند بخواهید دعا‌های مرا مستجاب کند. رسول خدا فرمود: اگر این را می‌خواهی، کسب و کار حلال در پیش بگیر.^۲ این حدیث به یکی از آثار مال حرام در زندگی اشاره می‌کند: مستجاب نشدن دعاها.

۱ و ۲- کافی، ج ۵، ص ۱۲۶.

اکنون به این دو حدیث توجه کنید و مانند نمونه بالا، پیام هر حدیث درباره مال حرام را بنویسید:

۱- امام رضا علیه السلام می‌فرماید: مالی که از راه حرام به دست آید، زیاد نخواهد شد و اگر هم زیاد شود برکتی نخواهد داشت.^۱

پیام:

۲- امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: کسی که اموالش را از راه نادرست به دست آورد، در جای نادرست هم آن را از دست می‌دهد.^۲

پیام:

خیانت در کار

همه می‌دانیم که اگر انسان اموالش را از راه حرام مانند دزدی، قمار و خرید و فروش اجناس قاچاق به دست آورد، آن اموال حرام است و کسی حق ندارد از آنها استفاده کند. اما گاهی اوقات انسان با اینکه شغل خوب و حلالی دارد، اموالی که از آن شغل به دست می‌آورد حرام است.

مثلاً کسی که وسیله بی کیفیت را در بسته بندی وسیله خوب و با کیفیت قرار می‌دهد و آن را با قیمتی بیشتر می‌فروشد، به همان مقدار که پول بیشتری دریافت می‌کند مال او حرام می‌شود و واجب است آن را به خریدار برگرداند.

و یا کارمندی که موظف است هر روز در محل کارش به انجام امور اداری بپردازد، اگر در ساعت کاری به وظایفش نپردازد، پولی که دریافت می‌کند، حق او نیست و استفاده از آن پول برایش حرام است.

پس می‌بینیم که انسان در هر شغلی ممکن است به خاطر بی توجهی و کوتاهی در انجام وظایفش، گرفتار مال حرام شود.

خداوند بزرگ در کتاب هدایت خود به این افراد وعده عذاب می‌دهد و می‌فرماید:

۲- غررالحکم.

۱- کافی، ج ۵، ص ۱۲۵.

<p>وای بر کم‌فروشان، آنان که وقتی برای خود پیمانہ می‌کنند، حق خود را به‌طور کامل می‌گیرند، اما هنگامی که می‌خواهند برای دیگران پیمانہ یا وزن کنند، کم می‌گذارند. آیا آنها نمی‌دانند که برانگیخته می‌شوند؟ در روزی بزرگ روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان می‌ایستند.</p>	<p>وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ الَّذِينَ إِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ^۱</p>
--	--

در درس‌های بعد دربارهٔ سرنوشت کسانی که حقوق دیگران را از بین می‌برند بیشتر آشنا خواهیم شد.



خودت را امتحان کن

- ۱- به‌نظر شما کار کردن چه فوایدی برای ما و جامعه ما دارد؟ به سه مورد اشاره کنید.
- ۲- به چند نمونه از کارهایی که انجام آنها و استفاده از درآمد آنها برای یک انسان مسلمان حرام است، اشاره کنید.
- ۳- سه شغل حلال را نام ببرید و توضیح دهید که چگونه ممکن است درآمد صاحبان آنها حرام باشد.
- ۴- کسب و کار حرام چه آثار بدی بر زندگی افراد دارد؟

پیشنهاد



داستان بازار سیاه (داستان شماره ۳۳ از کتاب داستان راستان، نوشتهٔ استاد شهید مرتضی مطهری) را بخوان و آن را برای خانواده و دوستانت بازگو کن.

۱- سورهٔ مطفین، آیات ۱ تا ۶.



برکت

حتماً شما هم شنیده‌اید که می‌گویند: «از تو حرکت از خدا برکت!»
می‌دانید معنای این ضرب‌المثل چیست؟

ببینیم:

دیگر طاقتش تمام شده بود. آن قدر فقیر شده بود که حتی نمی‌توانست برای
کودکانش غذایی تهیه کند. نمی‌دانست چه کار کند.
— فقط همین یک راه برایمان باقی مانده است، امروز نزد پیامبر برو و از او کمک
بخواه. او حتماً به تو کمک خواهد کرد.

این پیشنهاد همسرش بود.

با اینکه دلش نمی‌خواست از کسی درخواست کمک کند، ولی چیز دیگری
به نظرش نمی‌رسید. به مسجد آمد. رسول خدا در میان عده‌ای از اصحاب نشسته
بود و مشغول گفت‌وگو بودند.

گوشه‌ای نشست و به سخنان آنها گوش داد. منتظر فرصتی بود تا اطراف پیامبر
خلوت تر شود و بتواند مشکلش را با ایشان درمیان گذارد. در این میان ناگهان پیامبر
خدا سخنش را قطع کرد و بدون اینکه به او نگاه کند فرمود:

— «هر کس از ما کمکی بخواهد ما به او کمک می‌کنیم، ولی اگر کسی دست
نیاز پیش دیگران دراز نکند، خداوند او را بی‌نیاز خواهد ساخت.»

— یعنی منظور پیامبر چه بود؟ آیا با من بود؟

آن روز چیزی نگفت و به خانه برگشت. اما تا فردا هیچ اتفاقی نیفتاد و فقر و
گرسنگی مانند روزهای پیش به او و خانواده‌اش فشار آورد. فردا دوباره با همان نیت
قبله به مسجد آمد. باز هم رسول خدا بدون اینکه اشاره‌ای به او کند فرمود: «هر
کس از ما کمکی بخواهد ما به او کمک می‌کنیم، ولی اگر کسی دست نیاز پیش
دیگران دراز نکند خداوند او را بی‌نیاز خواهد کرد.»

دیگر مطمئن بود که منظور پیامبر خود اوست. باز هم بی‌آنکه چیزی بگوید به
خانه بازگشت.

وقتی فردای آن روز برای سومین بار نزد پیامبر خدا رفت و باز هم همین کلمات
را از ایشان شنید، با خودش گفت:



— حتماً در این جملات رسول خدا حکمتی است که هر بار همین سخن را تکرار می‌کند. دیگر از هیچ‌کس کمک نخواهم خواست. به خدا تکیه می‌کنم و از نیرویی که خداوند در خودم قرار داده است استفاده می‌کنم و از او می‌خواهم در این راه به من کمک کند تا از این پس هرگز دست نیاز به سوی کسی دراز نکنم. تصمیمش را گرفت و به خانه آمد. با خودش فکر کرد: از من چه کارهایی ساخته است؟

— حداقل می‌توانم به صحرا بروم و مقداری هیزم بیاورم و بفروشم. از همسایه‌اش تیشه‌ای امانت گرفت. به صحرا رفت و مقداری هیزم کند و به شهر آورد و فروخت و برای اولین بار پس از مدتی طولانی حاصل دسترنج خود را به خانه برد.

همین کار را مدتی ادامه داد تا اینکه توانست به مرور برای خودش تیشه و وسایل کار و یک حیوان باربری بخرد. همین‌طور کار کرد و کار کرد تا اینکه بالاخره برای خودش صاحب سرمایه و خدمتکارانی شد.

روزی رسول خدا به او رسید و تبسم‌کنان فرمود: نگفتم، هر کس از ما کمکی بخواهد، ما به او کمک می‌کنیم، ولی اگر کسی دست نیاز پیش دیگران دراز نکند خداوند او را بی‌نیاز می‌کند!^۱

الهی

ای کریم روزی بخش
ای که به من تلاش کردن آموختی
تا دستان خالی ام را پر کنم
و لذت بخشش به من حشندی
تا روزی ام را با دیگران قسمت کنم، تو را پاس.
پاس که سفره ام را به نان حلال آراستی
و مرا از بخشش دیگران بی نیاز ساختی
الهی یاری ام کن در بهنگام تو انگری تنها خود را نیستم

خدایا

اکنون که زندگی ام را به کار خوب آراستی
دست و زبانم را به شکر گزاریت زینت بخش

(تو هم اگر دوست داری چند جمله با
پروردگارت سخن بگو).



جامعه‌ای که ما در آن زندگی می‌کنیم از افراد مختلفی تشکیل شده است که هر یک اخلاق و دیدگاه‌های مخصوص به خود را دارند. از طرفی همه ما در یک جامعه زندگی می‌کنیم و رفتارهای هر یک از ما می‌تواند بر تمام جامعه اثرگذار باشد. دین اسلام برای تنظیم روابط افراد جامعه، برنامه مشخصی دارد که با بخشی از آن در سال گذشته آشنا شدیم. ما در این فصل به برنامه‌های دیگری از تعالیم اجتماعی اسلام می‌پردازیم که اجرای آنها می‌تواند زندگی زیباتر و سالم‌تری را برای جامعه ما به دنبال داشته باشد.

فصل حاضر از سه درس تشکیل شده است که عبارت‌اند از: حق الناس، نشان عزت و مسئولیت همگانی.

🌀 **درس چهاردهم (حق الناس)** به بررسی مسئولیت انسان درباره خود، خدا و دیگران می‌پردازد و ضمن یادآوری اهمیت حق الناس در دین اسلام به بیان حقوق عمومی و وظیفه هر فرد در برابر این حقوق می‌پردازد.



🌀 **درس پانزدهم (نشان عزت)** اهمیت و نقش حجاب و پوشش اسلامی را در تأمین امنیت فردی و عمومی بیان می‌کند. همچنین این درس احکام ضروری حجاب اسلامی که مسلمانان باید آنها را رعایت کنند را گوشزد می‌نماید.



🌀 **درس شانزدهم (مسئولیت همگانی)** به یکی از مهم‌ترین وظایف تمام افراد جامعه یعنی امر به معروف و نهی از منکر اشاره می‌کند و ضمن بیان اهمیت این عمل در اسلام، شیوه‌های مختلف این کار را به ما آموزش می‌دهد.

